

# جاہگاہ علما در غیبت کبری

قَامَا لِحَوَادِثِ الْوَاقِعَةِ فَازِجِعُوا إِلَى  
رَوَايَاتِ الْوَالِدِ الْكَبِيرِ

احسان راشدی

علم نوری است که خداوند  
در دل هر کس بخواهد می‌اندازد.  
امام صادق علیه السلام

# جایگاه علما در غیبت کبری

## الطهار

نویسنده: امین زاهری

زاهری، احسان، ۱۳۳۶  
جایگاه علماء در غیبت کبری / مؤلف احسان  
زاهری؛ ویراستار حسین دهنوی. - قم: الطیار،  
۱۳۸۰.  
۵۳ ص.

ISBN 964-9300-4-x

کتابنامه به صورت زیرنویس.  
۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -  
نیابت، ۲. مجتهدان و علماء الف. عنوان.  
ج ۲، ۲۲۴۴ BP ۲۹۷.۴۶۲  
کتابخانه ملی ایران  
محل نگهداری:  
۸۰-۵۰۸۵ م



## انتشارات الطیار

جایگاه عالمان در غیبت کبری

مؤلف / احسان زاهری

ویراستار / حسین دهنوی

صفحه آرا / حسین زاهری

چاپ اول ۱۳۸۰ تعداد / ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ / بهمن

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مرکز پخش: قم، خیابان امام علیه السلام، چهارراه شهید غفاری،

کوی نوربخش پلاک ۱۱۷

تلفکس: ۶۶۰۶۸۴۴ و تلفن: ۶۶۰۶۶۷۴

قیمت: ۴۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۳۰۰۰-۴-X

ISBN 964-93000-4-X

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

پیشگفتار

- فصل اول: جایگاه عالمان در قرآن ..... ۱۱
- فصل دوم: رجوع به عالمان از جهت عقل و سیره ..... ۲۰
- فصل سوم: علم و حکمت، بهترین هدیه الهی ..... ۲۱
- فصل چهارم: عالمان و رحمت الهی ..... ۲۴
- فصل پنجم: همنشینی با عالمان ..... ۲۶
- فصل ششم: نبود جایگزین برای عالمان ..... ۲۸
- فصل هفتم: احترام عالمان ..... ۳۰
- فصل هشتم: منزلت و فضیلت عالمان ..... ۳۲
- فصل نهم: جایگاه اندیشمندان الهی ..... ۳۴
- فصل دهم: فقیهای ائمت، عالمان و عارفان به حدیث ..... ۳۷
- فصل یازدهم: نقش علم و عمل عالمان ..... ۴۰
- فصل دوازدهم: جایگاه اطاعت عالمان و اطاعت از آنها ..... ۴۲
- فصل سیزدهم: فقیهای و عالمان منصوب از جانب معصوم علیه السلام ..... ۴۶
- فصل چهاردهم: عاقبت فتوای جاهلانه ..... ۴۸
- فصل پانزدهم: مقامات عالی عالمان الهی ..... ۵۰
- فصل شانزدهم: حیات واقعی در گرو علم و شناخت و معرفت ..... ۵۲
- فصل هفدهم: برتری عالمان ..... ۵۵
- فصل هیجدهم: مقام عالمان در روز قیامت ..... ۵۷
- فصل نوزدهم: عالمان، حجّت امام معصوم بر انسانها ..... ۵۸
- فصل بیستم: عالمان، اهانت داران انبیا ..... ۶۰
- فصل بیست و یکم: خلیفه الهی عالمان ..... ۶۲
- فصل بیست و دوم: عالمان، حافظان مرزهای اندیشه و اعتقاد ..... ۶۴

- فصل بیست و سوم: برتری مداد عالمان بر خون شهیدان ..... ۶۷
- فصل بیست و چهارم: عالمان، چراغ اهل زمین ..... ۶۹
- فصل بیست و پنجم: استغفار نظام وجود برای معلمان الهی ..... ۷۱
- فصل بیست و ششم: انتهای مسیر عالمان ..... ۷۳
- فصل بیست و هفتم: بال ملائکه، فرش عالمان ..... ۷۴
- فصل بیست و هشتم: تواضع در محضر عالمان ..... ۷۶
- فصل بیست و نهم: مقام و منزلت علما ..... ۷۸
- فصل سی و یکم: مقام عالمان ..... ۸۳
- فصل سی و یکم: تأثیر وجودی عالمان در مقابل دشمن ..... ۸۶
- فصل سی و دوم: عالمان، نزدیک‌ترین انسان‌ها به مقام نبوت ..... ۸۸
- فصل سی و سوم: غربت علماء ..... ۹۱
- فصل سی و چهارم: عالم‌ترین مردم ..... ۹۴

## پیشگفتار

حمد و سپاس، خداوندی را سزااست که بر ما منت نهاد و در زیرچتر ولایت فقیهانی قرار داد که نیابت عامه ولی الله الاعظم امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- را بر عهده دارند؛ به ویژه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه السلام که در این زمان توانست، جایگاه مرجعیت شیعی و عظمت فقاہت و رهبری دینی را به جهانیان ثابت نماید و مردمی بودن یک نظام را به اثبات رساند. این حادثه بزرگ تاریخی، یعنی انقلاب اسلامی ایران که در پی نهضت‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت تنباکوی میرزای شیرازی و شیخ فضل‌الله نوری در مشروطیت و مرحوم مدرس و آیه الله کاشانی محقق گردید. جایگاه عالمان را در نفوذ مردمی و تحقق عملی اسلام به نمایش گذاشت؛ بدین جهت، دشمنان اسلام این قدرت دینی را از داخل و خارج نشانه گرفته و حملات را بر ضد عالمان و رهبران دینی آغاز کرده و هدف اصلیشان در هجوم فرهنگی

بمباران این جایگاه رفیع بوده است.

این حوادث ما را بر آن داشت که جایگاه با عظمت عالمان و نیابت عامه آن‌ها را در زمان غیبت کبرا به صورت مفید و مختصر ارائه کنیم تا خدمتی در جهت شناخت جامعه انجام داده، از حملات کذابی انجام شده جلوگیری کنیم و قدردان این نعمت عظمای الهی از جهت علمی و عملی باشیم. خداوند سبحان می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»<sup>۱</sup> اگر شاکر نعمت‌های الهی باشید، آن را زیاد می‌کنیم و اگر کفران نعمت کنید، همانا عذاب من شدید است». چه عذابی بالاتر از این که خداوند مقام علمی و مرجعیت و فقاہت را از انسان بگیرد. ما در طول عمر خود صحنه‌های عروج و سقوط افراد را دیده‌ایم که علت آن، ناسپاسی عملی از این نعمت رفیع بوده است؛ پس مسؤلیت، منصب و جایگاه عالمان الهی بسیار روشن است و ایشان وارث رسالت، حکومت و بیان و اجرای احکام الهی‌اند و در پیشگاه حضرت ربّ العالمین احترام پیامبرگونه دارند. مردم نیز باید این فرزندگان علوم الهی را با دیده بصیرت جانشین انبیا و امامان علیهم‌السلام در بیان و اجرای احکام اسلام بدانند و هم‌نشینی با آن‌ها، گفتم و گوید



وعظ و خطابه آنها را محترم شمرده، خود را از محضر حضرات  
عالمان بهره‌مند ساخته، موجب آبادی دنیا و آخرت خویش گردند و  
کوچک‌ترین جسارت به عالمان الهی را موجب سبک شمردن اسلام و  
نافرمانی از دستورهای پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام دانسته، از گناهان  
کبیره بشمارند. اگر در حضور یک جوان، نوجوان یا کودک به عالم دین  
بی حرمتی گردد، ممکن است از دین و قرآن زده، بیزار و جدا شود و به  
دامان کفر، فسق، نفاق و ظلم بیفتد، لذا گناه انحراف او و نسلش در  
طول تاریخ به گردن کسانی خواهد بود که این بدبینی را موجب  
شده‌اند. امیدوارم خداوند سبحان ما را در جهت رضایت و اطاعتش  
در زیر سایه عالمان ربانی قرار دهد. تقدیم به ارواح انبیای الهی و  
امامان معصوم علیهم‌السلام و شهیدان راه حق و فضیلت و روح امام کبیر  
خمینی بزرگ علیه‌السلام و مرحوم حاجی احمد زاهری ابوی گرامی.

احسان زاهری ۱۶/۱۲/۷۹

نهم ذی‌حجه ۱۴۲۱، عید قربان

## فصل اول: جایگاه عالمان در قرآن

### درجات عالمان

قرآن شریف می فرماید: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»<sup>۱</sup> خداوند کسانی که از شما ایمان آورده‌اند بالا می‌برد و کسانی که به آن‌ها علم [و شعور، آگاهی و شناخت] داده شده، درجاتی نایل می‌گرداند.

«فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا...»<sup>۲</sup> خداوند جهاد کنندگان با اموالشان و جان‌هایشان را، بر نشستگان برتری می‌دهد.

«وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»<sup>۳</sup> و هرکس، کسی را زنده بدارد [و او را از گمراهی، جهل و مرگ، نجات دهد]، گویا همه مردم را زنده

۲. نساء (۴): ۹۵.

۱. مجادله (۵۸): ۱۱.

۳. مائده (۵): ۳۲.

کرده است.» عالمان علوم الهی کسانی اند که روح و جان را در کالبد انسان‌های مرده می‌دمند.

## نکات

در بحث شهیدان و مجاهدان و مؤمنان در قرآن شریف، اجراً و دَرَجَةً به صورت مفرد، ولی در بحث عالمان، درجات مطرح شده است. قطعاً مراد، اندیشمندان علوم الهی اند که اگر انسانی را هدایت کنند، گویا همه انسان‌ها را زنده کرده‌اند و مقامات آن‌ها از همه بالاتر است.

## پرسش از عالمان

خداوند سبحان امر فرموده: «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛<sup>۱</sup> از اهل ذکر پرسید، اگر نمی‌دانید». کسانی همچون امامان معصوم علیهم‌السلام که از علوم الهی و احکام خداوند آگاه هستند، مصداق کامل اهل ذکر می‌باشند و در مراتب بعد، نایبان و وکیلان و امیران منصوب از جانب آنان قرار دارند که نَوَّاب خاص در زمان غیبت صغرا و نَوَّاب عام در

۱. نحل (۱۶): ۴۳ و انبیاء (۲۱): ۷.

زمان غیبت کبرا هستند. یعنی فقیهان جامع شرایط مصداق اهل ذکر زمان خود بوده، فتوای آنها حجت و دلیل شرعی است و گرنه امر کردن خداوند لغو می شود. حال که پرسیدن لازم است، اطاعت نیز بر همگان یک تکلیف الهی می باشد.

## نکات

۱. اگر انسان بخواهد از مقام علمی عالمان بهره مند شود، باید به جواب دهنده اعتماد داشته باشد و اطاعت از آنها را بر خود لازم و پاسخ آنها را دلیل شرعی بداند؛ زیرا خداوند زمانی به پرسیدن امر می کند که اصل کلام، حجت باشد.

۲. افرادی از امام معصوم علیه السلام سؤال می کردند و امام به اصحاب خود خطاب می فرمود که شما پاسخ او را بگویید یا سؤال کننده ای از بصره می آمد و سؤالی داشت. امام می فرمود: نماینده ما در آن جاست. آن چه بگوید، حق است. این که امام به شاگردن خود می فرمود: فتوا بدهید و احکام الهی را بیان کنید، دلیلی است که

.....  
عالمان الهی در زمان حضور و در زمان غیبت مصداق اهل ذکر هستند؛ پس قول و عمل امام که بیانگر حق است، حجت را در این موضوع بر همه تمام کرده که اطاعت و کسب علم از عالمان فرزانه لازم است.

### علم در طریق فطرت

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» تمام چهره و رویت [و توجه و استعداد و هنر و قدرت خود] را متوجه دین خدا و اسلام قرار بده که این آفرینش الهی است که مردم را بر آن آفرید».

شناخت دین که راه فطرت است، به معلم و کلاس درس نیاز دارد. تا زمانی که انسان راه را نشناسد، بر پیمودن آن توانا نیست. برای فهم و درک و شناخت دین باید آن را از کارشناسش آموخت که همان اهل ذکر است. قرار گرفتن در مسیر آفرینش که همان فطرت الهی است، دو راه دارد: یکی این که خود انسان کارشناس، مجتهد و فقیه گردد و

دیگر این که از این‌ها تقلید و کسب علم کند؛ پس قول علما و فقها باید حجت و دلیل و برهان شرعی و عقلی باشد تا انسان با اطاعت از آن‌ها به هدفی که رضایت حضرت ربّ العالمین است، برسد.

### اندیشه و عالمان

«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ»<sup>۱</sup> مثال‌هایی که

برای مردم می‌زنیم، فقط عالمان و اندیشه‌گران در آن مثال‌ها فکر می‌کنند؛ لذا ظرافت‌ها، لطافت‌ها و نکات آموزنده را آن‌ها یافته و از آن بهره‌مند می‌گردند.

### نکات

۱. مثال‌های قرآن به صورت محسوس و ساده برای بیان مطالب مهم و فهماندن مطالب معقول و مشکل آمده تا مردم حقایق را بفهمند.

۲. قرآن شریف در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی و... با

۱. عنکبوت (۲۹): ۴۳.

مثال زدن که بهترین راه‌های فهمیدن و فهماندن است، وارد گردیده و از راه بیان مطالب و مثال‌ها و نمونه‌های تاریخی، مطالب مهم علمی را بیان می‌کند. در همه این موارد، عالمان و اندیشمندان علوم الهی چون غواصان از دریای بی‌کران علم خداوندی در قرآن بهره می‌گیرند و گرانبهارترین صدف‌های این دریای عمیق را استخراج کرده، به جامعه عرضه می‌کنند تا انسان را به راه کمال و فطرت خویش در همه جوانب زندگی راهنمایی نمایند.

### عالمان و ترس از خدا

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»<sup>۱</sup> فقط عالمان از بندگان خدا، از محضر او ترس دارند.» عالمان الهی که با عرفان و معرفت خویش، عاشقان دلباختگان الهی او گشته‌اند، در مقابل جلالت و عظمت او ترسان و لرزانند و به مصداق آیه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»<sup>۲</sup> مؤمنان [راستین و واقعی] کسانی‌اند که هر زمان خداوند یاد شود، قلب‌های

۱. فاطر (۳۵): ۲۸.

۲. انفال (۸): ۲.

آنها می ترسد و زمانی که آیات الهی بر آنها تلاوت می گردد، ایمانشان افزون می شود و بر پروردگارشان توکل می نمایند».

## نکات

۱. خشیت، ترسی است که از روی محبت و معرفت به عظمت و جلال و هیبت حضرت حق جلّ جلاله محقق می شود؛ اما خوف، ترسی است که به سبب وجود گناهان و عذاب الهی محقق می گردد.
۲. آنهایی که حقیقت را شناختند، در محضر خداوند خضوع، خشوع، خوف و خشیت دارند.
۳. هرچه شناخت بالاتر باشد، ترس و لرز از ابهت و عدالت او بیش تر می شود.
۴. دانش بدون عبودیت ارزش ندارد و مقامات خوف و رجا را در انسان تحقق نمی بخشد.



## هجرت برای فقیه شدن

آیه نثر بر جایگاه ویژه هدایتی و ارشادی عالمان دلالت دارد و این هدف، زمانی تأمین می‌شود که مردم به وظیفه خود در قبال دستوره‌های آنان عمل کنند و گرنه کوچ کردن و برگشتن در میان امت لغو خواهد بود: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و وقتی به سوی قوم خویش برگشتند، بیم دهند به امید این که آن‌ها بترسند».

## نکات آموزنده

۱. هجرت و بسیج باید برای فهمیدن و فهماندن دین الهی محقق شود و عالمان اقوام خویش و مردم را بیم دهند.
۲. انسان‌ها باید از گناهان دور شده، با انجام واجبات، به تقوای الهی برسند.

۳. بسیج علمی و فرهنگی در آیه، یک تکلیف الهی شمرده شده و روی گرداندن از آن، توبیخ و سرزنش دارد؛ لذا کسانی که استعداد آمادگی جنگ دارند، در بسیج رزمی و کسانی که برای کسب علوم الهی آمادگی دارند، باید در این جهت بسیج شوند.

۴. اگر وظیفه مردم، اطاعت از فقیهان نمی بود، آیه و بسیج علمی و برگشت و هدایت لغو می شد.

۵. مردم وظیفه دارند که در زمان غیبت کبرا به فرامین و فتاوی عالمان توجه کامل داشته باشند و آنها را در زندگی خود عملی کنند تا سعادت مند شوند؛ زیرا آنها احکام الهی را از کتاب و سنت استخراج می نمایند.

## فصل دوم: رجوع به عالمان از جهت عقل و

### سیره

دلیل عقلی، سیره عقلاء و عرف عمومی مردم، رجوع جاهل به عالم را ثابت می‌کند؛ بنابراین دانشمندان الهی در مقام کارشناس دینی، مرجع مردم هستند و تقلید و اطاعت از آنان به واسطه دلیل عقل روشن است. همان‌گونه که مردم در مسایل پزشکی، ساختمانی، صنعتی و... به کارشناسان حرفه‌ای مراجعه می‌کنند، در فهم وحی و نبوت و عمل به اعتقادات دینی نیز یا خود باید کارشناس، مجتهد و عالم و عارف باشند یا از کسانی که به این مرتبه علمی رسیده‌اند، تقلید نمایند تا به سعادت دنیایی و آخرتی و کمالات انسانی که راه فطرت بشر است، برسند.

## فصل سوم: علم و حکمت، بهترین هدیه الهی

خداوند در قرآن می فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۱</sup>

خداوند حکمت را به کسی که می خواهد عطا می نماید و کسی که به او حکمت داده شده، خیرات زیادی به او داده شده، جز صاحبان اندیشه و خرد متذکر نمی شوند [یعنی فقط عقلای الهی تحت تأثیر پند و موعظه این آیات هستند.] در آیات قرآن حکمت که نعمت بزرگ خداوندی است، به افراد خاصی چون انبیای الهی داده می شود. کسانی که مشیت الهی او به آنها تعلق گرفته و از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. یعنی اندیشمندان طریق حق، ظرف لایق حکمت الهی

هستند و خداوند سبحان هم در مقام معلم تدریس حکمت و علم به بشر، خاصه انبیا و اولیایش معرفی شده است و این اهمیت موضوع را بیان می‌کند؛ زیرا کسانی که علم را به انسان‌ها تعلیم می‌دهند، کاری خدایی می‌کنند و در مسیر او انجام وظیفه می‌نمایند؛ پس قدر و منزلت و شغل و عمل آنها از جهت فضیلت بر کسی پوشیده نمی‌باشد.

تاریخ، علم و حکمت، انبیا را بهترین، مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدیه بیان کرده تا بتوانند بزرگ‌ترین رسالت‌های الهی را در طول تاریخ به انجام برسانند؛ لذا کسانی که در این زمان، مورد عنایت الهی قرار گرفته و در حکمت و علم به روی آنها بازگشته، مصداق کلام حضرت امام صادق علیه السلام قرار گرفته‌اند که فرمود: «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ؛<sup>۱</sup> علم نوری است که خداوند در دل هر کس بخواهد، می‌اندازد»؛ پس دل‌ها و عقول عالمان با اراده و مشیت الهی نورانی گشته و آنان که خواستار کسب نور الهی هستند، باید همنشینی و گفت

و گو با اندیشمندان الهی را حفظ کنند و از نور معنویت آن‌ها بهره ببرند.

## نکات

۱. **حکمت:** معرفت و شناخت اسرار جهان هستی، آگاهی از حقایق قرآن، رسیدن به حق از جهات گفتاری و رفتاری و عملی، خلاصه حکمت معنای وسیعی دارد.
۲. حکمت سرچشمه جوشان و تبلوری از تمام خیرات و خوبی‌هاست.
۳. حکمت و علم نوری در میان ضلالت‌ها و ظلمت‌ها جهت‌ارشاد و هدایت بشر است.

## فصل چهارم: عالمان و رحمت الهی

اندیشمندان الهی مورد عنایات ربانی و رحمت بیکران و واسعه الهی هستند. امام باقر علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا الْعِلْمَ؛<sup>۱</sup> خدا رحمت کند بنده‌ای را که دانش [ما] را زنده کند». راوی می‌گوید: گفتم زنده کردن علم چه معنایی دارد؟ حضرت فرمود: بحث کردن اهل دین و تقوا از علوم الهی، موجب زنده کردن علوم می‌شود.

### نکات آموزنده

۱. رحمت الهی از نعمت‌های عالی الهی است و یوسف پیامبر علیه السلام در سخت‌ترین شرایط می‌فرماید: «إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛<sup>۲</sup> مگر این که

۲. یوسف (۱۲): ۵۳.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱.

رحمت-الهی نجاتبخش من باشد» و مولای عارفان در نیایش کمیل خطاب به خداوند سبحان عرض می‌کند: «وَ إِذْ خَالَكِ إِثَائِي فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ؛ مرا در رحمت واسعه خودت وارد نما». بندگان اندیشمند که با قلم، زبان و اندیشه در راه زنده کردن حقایق تلاش می‌کنند، مورد رحمت الهی قرار می‌گیرند و چه مقامی بالاتر از این؟

۴. مذاکرات و مباحث علمی از هر فرد و در هر شرایطی موجب کمال انسانی و تعالی او نمی‌شود؛ بلکه در مباحث علمی، گفتن و نوشتن همراه با دیانت و تعبد و تقوای الهی رمز موفقیت است. این مذاکرات و جلسات علمی باید از ریاکاری و خودخواهی‌ها و هرچه بوی غیر الهی از آن استشمام می‌شود، پاک و منزّه گردد. تا انسان را عالمانه و عارفانه به معراج رساند.



## فصل پنجم: همنشین با عالمان

امام باقر علیه السلام می فرماید: «تَذَاكُرُ الْعِلْمِ دَرَاَسَةٌ وَ الدَّرَاَسَةُ صَلَاةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۱</sup> مباحث علمی درس است و درس، نماز و دعایی نیکو است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند سبحان می فرماید: «تَذَاكُرُ الْعِلْمِ بَيْنَ عِبَادِي مِمَّا تُحْيِي عَلَيْهِ الْقُلُوبُ الْمَيِّتَةَ إِذَا هُمْ أَنْتَهَوْا فِيهِ إِلَى أَمْرِي»<sup>۲</sup> مباحث علمی در میان بندگان من موجب زنده شدن قلب‌های مرده می‌گردد؛ هنگامی که مباحث علمی به امر من منتهی شود». ارشاد به امور دینی و اصول و فروع آن، زنده کننده دل‌ها و نجات بخش ارواح و عقول انسان‌ها است.

۲. همان ج ۶

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵، حدیث ۹۰

## نکات آموزنده

۱. ارزش جلسات و کلاس درس علوم الهی در سطح عبادات، بلکه بالاتر و بهترین آن‌ها است. زیرا یک لحظه اندیشه در علوم از سال‌ها عبادت مفیدتر و ارزش‌دنیایی و آخرتی آن بالاتر می‌باشد.
۲. بهترین درس، مباحث علوم الهی (فروع و اصول و...) است.
۳. مباحث علمی، عامل اصلی زنده شدن وجود انسان‌ها از جهات روحی و جسمی است؛ زیرا نشاط روحی، موجب سلامت جسم، و رشد و تعالی انسانی می‌شود.
۴. ارزش مباحث علوم الهی به این است که برای خدا و در جهت او باشد. (اخلاص)

## فصل ششم: نبود جای گزین برای عالمان

حضرت علی علیه السلام فرمود: «فَإِذَا مَاتَ الْعَالِمُ ثَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلْمَةً لَا يَسُدُّهَا إِلَّا خَلْفٌ مِنْهُ وَطَالِبُ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ الْمَلَائِكَةِ وَيَدْعُو لَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛<sup>۱</sup> زمانی که اندیشمندی [مسلمان] از دنیا می رود، کمبودی در جامعه احساس می شود که هیچ چیزی جای گزین آن نمی گردد؛ مگر جانشینی از خود عالمان [و کسانی که دنبال کسب دانش و علم می روند]. همه ملائکه و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، برای او استغفار می کنند».

تمام نظام وجود برای حفظ عالمان استغفار می کند و این خود دلیل وجود نگهبانان الهی برای حفظ آنان از خطرات دنیایی و آخرتی است.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۴.

## نکات آموزنده

۱. عالمان در مقابل لغزش‌ها و خطاهای احتمالی که از روی علم و عمد و هوای نفس نیست، مورد عفو و آمرزش هستند.
۲. تمام نظام وجود، اعم از حیوانات دریایی و زمینی و ملائکه، همه برای دانشمندان الهی استغفار می‌کنند.
۳. برای سعه وجودی عالمان همین بس که نام آن‌ها آوازه زبان همه موجودات هستی است.
۴. همه ملائکه و حیوانات در جهان، علما را می‌شناسند و اگر نشناسند، استغفارشان برای آنها، معنا و مفهومی ندارد.
۵. این استغفار موجودات جهان نظام هستی، دلیلی است که عالمان دارای مقامات عالی الهی هستند؛ البته معصوم نیستند و انتظار عصمت هم از آنان بیجا است و این که می‌گویند: چون فلان عالم مرتکب خطای سیاسی شده، از عدالت ساقط گشته، درست نیست؛ زیرا «تکرار گناه» انسان را از عدالت خارج می‌کند، نه اظهار نظر و بیان مطالبی که با ذوق و سلیقه دیگری موافق نیست.

## فصل هفتم: احترام عالمان

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَكْرَمَ فَقِيهَا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ وَ مَنْ أَهَانَ فَقِيهَا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانٌ؛ کسی که فقیه مسلمانی را گرامی بدارد، خدا را در روز قیامت ملاقات می‌کند؛ در حالی که از او راضی [و خشنود] است و کسی که به فقیه مسلمانی اهانت کند، خداوند را در روز قیامت ملاقات خواهد نمود در حالی که از او خشمگین است.»

### نکات آموزنده

۱. عالمان مورد احترام و کرامت خاص الهی هستند و اهانت و بی‌احترامی به آنها در ردیف خشم و غضب خداوند متعال است.

۲. کسانی که به عالمان اهانت می‌کنند، مصداق مغضوب علیهم بوده و نتوانسته‌اند در نماز، خود را عملاً از خشم الهی نجات دهند.

۳. تأثیرات تکوینی این اهانت‌ها به انسان مؤمن، در دنیا و آخرت ظاهر می‌شود؛ زیرا خداوند سرپرست و مدافع مؤمنان است؛ به ویژه عالمان، که نزد خداوند و مقامات عصمت، احترام ویژه‌ای دارند.

## فصل هشتم: منزلت و فضیلت عالمان

حضرت علی علیه السلام فرمود: «فَإِنَّ الْعَالَمَ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> همانا عالم، از جهت پاداش از روزه‌دار رزمنده در راه خدا [و در میدان جنگ] بالاتر است.»

### نکات آموزنده

۱. زیرا اندیشمندان الهی، هدایتگر انسان‌ها به سوی نماز، روزه، جهاد و احکام الهی هستند.

۲. رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وُزِنَ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ بِدِمَاءِ الشُّهَدَاءِ فَيُرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ؛<sup>۲</sup> آن گاه که در روز قیامت، مداد عالمان و خون شهیدان را بسنجند، مداد عالمان بر خون

۱. بخارالاتوار، ج، ص ۴۳، روایة ۱۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۶.

شهیدان برتری خواهد داشت»؛ زیرا عالمان شهید پرور و مربی انسان  
مؤمن، مجاهد، عابد و زاهد هستند و فروغ نور الهی در جامعه به  
برکت آنان بوده و هست.



## فصل نهم: جایگاه اندیشمندان الهی

حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله فرمود: «یا عَلِيُّ! نَوْمُ الْعَالَمِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ يُصَلِّيهَا الْعَابِدُ يَا عَلِيُّ! لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلُ التَّفَكُّرِ! اِی عَلی! خواب عالم از هزار رکعت نماز عابد [ای که از علم بهره‌مند نیست] بهتر است و هیچ فقری شدیدتر از جهل نیست و عبادتی [از جهت ارزش] مثل اندیشه نیست».

### نکات آموزنده

۱. خواب عالم هم ارزش دارد؛ زیرا سعه و جودی او در حال خواب هم برای همگان موجب آرامش و دفع بلا و عذاب الهی است.
۲. فقر فرهنگی و استضعاف دینی و اعتقادی از همه بیچارگی‌ها بالاتر است.

۳. اندیشه نجات بخشی که برای انسان‌ها چاره اندیشی کند از

عبادت الهی بالاتر است.

رسول گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ فرمود: «عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ

بَنِي إِسْرَائِيلَ؛<sup>۱</sup> علمای امت من مثل انبیای بنی اسرائیل هستند».

۴. جایگاه رفیع عالمان در این تشبیه، دریایی از مطالب و مقامات

را روشن ساخته است؛ از باب نمونه حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از انبیای

بنی اسرائیل است و در مقام قرب الهی و احترام در پیشگاه خداوند

سبحان و منزلت او در رسالت و نبوت، در این مختصر قابل بیان

نیست.

۵. انبیای الهی مبلغ و مبین احکام الهی اند و مردم و امت وظیفه

دارند بی چون و چرا از آن‌ها پیروی کنند و موقعیت عالمان، به ویژه

در غیبت کبرا چنین است.

۶. فقیه، مسؤول تشکیل و اجرای حکومت و مبارزه با طاغوت و

براندازی حکومت باطل است؛ چنان که پیامبران الهی بودند.

۷. عالمان، چون انبیای الهی از طرف خداوند بر دارایی‌ها و

جان‌های انسان‌ها ولایت دارند؛ بدین جهت انسان‌ها در راه بذل مال  
و جان باید از آن‌ها پیروی کنند.

## فصل دهم: فقیهای امت، عالمان و عرفان به

### حدیث

فهم و علم و عرفان به سخنان پیامبر و امامان علیهم السلام انسان را به درجات عالی می‌رساند.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ أَمْرَ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا؛ کسی که از امت من چهل حدیث [از سخنان گهربار مقام عصمت] از آن چه در جهت نیازهای دینی است، حفظ کند، خداوند او را در روز قیامت، فقیهی دانشمند برخواهد انگیخت».

در روایت دیگری می‌فرماید: «وَلَمْ يُعَذِّبْهُ؛<sup>۲</sup> و او را عذاب نمی‌کند».

۲. همان، ص ۱۸.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸.

از پیامبر اکرم نقل شده است: «كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> فرمود: در روز قیامت از آن‌ها (عالمان) شفاعت می‌کند و من در روز قیامت از او شفاعت می‌کنم. لذا حضرت از تمام کسانی که پاسدار سخنان او و حافظ روایات شریف هستند در محضر حضرت حق وساطت می‌نماید.

### نکات آموزنده

۱. حفظ احادیث باید بر حسب نیاز فرهنگی در عمل به دستورهای اسلام باشد.
۲. مقام فقیهان با تمام بلندی و عظمتش مشمول این حافظان می‌شود.
۳. در احادیث دیگر آمده است که آن‌ها با شهیدان، انبیا و صالحان و راست‌گویان محشور می‌شوند.
۴. عالمان، مشمول شفاعت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله می‌گردند و تمام مشکلات آن‌ها به واسطه حضرت حل می‌شود.

۵. از عذاب الهی امان نامه دارند.

۶. اگر کسی در چهار موضوع از مسایل اسلام چهار حدیث

بیاموزد، گویا سرچشمه‌ای از علوم الهی را یافته است که بر او فقیه و

عالم فرزانه اطلاق می‌شود.

۷. فرزانه‌گانی که صدها حدیث و آیه را حفظ کرده‌اند و آن‌ها را در

قالب حکم الهی به مردم ابلاغ و بیان می‌کنند، چه مقام والایی در

پیشگاه حضرت حق دارند.

## فصل یازدهم: نقش علم و عمل عالمان

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ»<sup>۱</sup> دانشمندی که از علمش بهره‌مند است، از عبادت هفتاد هزار عابد [که مشغول بندگی خدا هستند بهتر و] برتر است».

از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»<sup>۲</sup> فضیلت اندیشمند [الهی بر عبادت کننده، مثل برتری ماه در شب چهاردهم بر ستارگان دیگر است]؛ پس نور عالم با عابد بسیار تفاوت دارد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ فَضْلِ الْعِبَادَةِ»<sup>۳</sup> برتری دانش نزد من محبوب‌تر از عبادت است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «يَأْتِي صَاحِبُ الْعِلْمِ قُدَّامَ الْعَابِدِ بِرَبْوَةِ مَسِيرَةِ خَمْسَائِهِ غَامٍ»<sup>۴</sup> صاحب دانش [در دنیا و آخرت، برزخ و

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۴.

۴. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸.

دوزخ] تا مسیر پانصد سال از عبادت کننده جلوتر است».

## نکات

۱. ارزش علم و اندیشه و یافتن حقایق با روایات ذکر شده بر همگان روشن می‌گردد.
۲. نور وجود عابدان محور جمال جمیل عالمان می‌شود.
۳. محبوب امامان و انبیای الهی، فهم و درک و علم است. برای کسب محبوبیت آن‌ها باید به دنبال دانش رفت تا زندگی، شیرین و هدف‌دار شود و از لهو و لعب‌رهایی یابد.
۴. کمال و تکامل و سبقت در میدان اندیشه و علم به قدری سرعت دارد که عابدان این قافله را نمی‌بینند؛ چون مسافت و فاصله بسیار است.
۵. افراد پشت سر و عقب کاروان همیشه به وسیله جلوی‌ها هدایت می‌گردند و از نور و روشنی آنها بهره می‌گیرند و آن‌ها را راهنمای طریق خویش می‌دانند. لذا، عابدان همیشه از عالمان بهره‌مندند.



## فصل دوازدهم: جایگاه امامت عالمان و اطاعت از آنها

امام صادق علیه السلام فرمود: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مُوَلَّاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لِأَيْكَونُ إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلَّهُمْ»<sup>۲</sup> اما کسی از فقها که نفس خود را نگه دارد و دین خداوند را نگهبان باشد و با هوای نفس مخالفت کند و پیر امر مولا باشد، بر عوام [= غیر مجتهدین] است که از آنها تقلید نمایند. آن شرایط را بعضی فقیهان شیعه دارند، نه همه آنها؛ بنابراین مردمی که خود در اسلام و دین مجتهد نیستند، باید از فقیهان

۱. فقیه: کسی که عمیقاً اسلام را می‌شناسد و قدرت استخراج احکام الهی را از کتاب و سنت دارد؛ یعنی کارشناس دین. رجوع به علما مراجعه به اهل خیر است که همه عقلای جهان در همه تخصص‌ها این اصل را می‌پذیرند.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵.

تقلید کنند؛ البته فقیهانی که چهار شرط بیان شده را دارا باشند.

### نکات آموزنده

۱. فقیه باید حافظ نفس خود از تمام گناهان و رذایل بوده، در انجام واجبات و ترک محرمات بکوشد تا بتواند نجات بخش باشد.
۲. عالمان دینی باید با خواسته‌های نفسانی مخالف بوده، عقل، ایمان و رضایت خدا و بنده را بر هر چیز دیگر مقدم بدانند.
۳. اطاعت بی قید و شرط و بی چون و چرا از خداوند سبحان که روح اسلام و تسلیم است، در این فرزندگان الهی باید حاکم باشد.
۴. پاسداران سنگر رسالت انبیا باید در شرایط عادی و سخت حافظ دین خدا در سنگرهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اعتقادی باشند و مصلحت اسلام را در اندیشه و عمل، از اهمّ واجبات الهی بدانند.

۵. این روایت طولانی، حدود یک صفحه، مطالبی را در بیان کسانی که صلاحیت تقلید دارند و ندارند بیان کرده است. مردم حق تقلید از کسانی را که اهل گناه، جاهل، فسق و هوای نفسانی باشند،

ندارند و اگر تقلید کنند، آیه قرآن آنان را سرزنش می‌کند: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ»<sup>۲</sup> وای بر کسانی که کتاب الهی را با دست خود می‌نویسند؛ سپس می‌گویند: این از خدا است. برای آن که بهای کمی را خریداری نمایند؛ پس وای بر آن‌ها از آن‌چه دست‌های [خائنانه آن‌ها] نوشت. و وای بر آن‌ها از آن‌چه به دست می‌آورند».

۶. افرادی که احکام الهی را تحریف نموده، به خداوند نسبت دروغ و بهتان می‌دهند در برزخ و دوزخ گرفتار عذاب الهی خواهند بود.

۷. در زمان غیبت کبرا که به مقام معصوم علیه السلام دست رسی نیست، وظیفه انسان مسلمانی که مجتهد نیست، تقلید از فقیهان جامع شرایط است؛ چنان که تقلید در تمام ابعاد زندگی اجتماعی محقق است؛ مثل افرادی که از پزشکان در پزشکی و صنعت‌گران در صنایع

۱. از جهت لغت، به معنای سرزنش و مذمت و توبیخ و ویل، نام منطقه‌ای در جهنم است.

۲. بقره (۲): ۷۹.

تقلید می‌کنند. در امور دین هم اگر کسی مجتهد نیست، باید از کارشناسان دین تقلید کند.

۸. راه‌های عمل به دین اسلام، اجتهاد و تقلید و عمل به احتیاط است.

۹. شناسایی این فقیهان، وظیفه همه کسانی است که می‌خواهند در مسایل دین از آنان تقلید کنند.

## فصل سیزدهم: فقیهان و عالمان منصوب از

### جانب معصوم ﷺ

امام صادق علیه السلام در حدیث مقبوله عمر بن حنظله فرمود: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ  
مَنْ قَدَرَوِي حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ  
حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَإِنَّمَا  
اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ  
الشُّرْكِ بِاللَّهِ؛ کسی که از میان شما [مؤمنان] سخنان [و بیانات] ما را  
بیان کند و در حلال و حرام ما دقت و اندیشه نماید و احکام ما را  
بشناسد، پس امت باید راضی باشد که او [در تمام موارد حکم و]  
قاضی شما باشد. همانا من او را حاکم شما قرار دادم؛ پس زمانی که  
به حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود، حکم خدا را کوچک  
شمرده شده و با ما مخالفت نموده و مخالفت با ما، رد کردن

خداوند است و آن در حد شرک او است».

## نکات

۱. کسانی که شناخت کارشناسی و اجتهادی در احادیث و حلال و حرام الهی دارند، از جانب مقام معصوم منصوب شده‌اند.
۲. حکم این فقیهان باید اجرا شود و مورد بی‌اعتنایی قرار نگیرد.
۳. رد کردن احکامی که از جانب فقیهان صادر شده، انسان را از وادی توحید به شرک می‌کشاند.
۴. احترام به فتوای مراجع، محترم شمردن احکام الهی است.
۵. اینان در مقام فتوا دادن از جانب امام معصوم منصوب گردیده‌اند.

## فصل چهاردهم: عاقبت فتوای جاهلانه

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى مِنَ اللَّهِ لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحِقَّةُ وِزْرٍ مَنْ عَمِلَ بِفَتْوَاهُ؛ کسی که برای مردم بدون علم و هدایت از جانب خداوند به احکام الهی فتوا دهد، ملائکه رحمت و عذاب او را لعنت می کنند و گناه تمام کسانی که به آن فتوا عمل کردند، به آن فتوا دهنده ملحق می گردد.»

### نکات

۱. اصل فتوا دادن از سوی عالمان الهی، مطلبی روشن، مشخص و مجاز، بلکه وظیفه است.
۲. فتوای فقیهان نقش بسیار مهم و حساسی در عزت های دنیایی و

آخرتی انسان‌ها دارد.

۳. سخن و فتوا در صورتی عزت آفرین است که آگاهانه و عالمانه و هادی و مرشد مردم به سوی کمالات انسانی باشد.

۴. فتوای جاهلانه انسان را از رحمت الهی دور و گرفتار عذاب الهی می‌نماید.

۵. گناه سخنان و نوشته‌های جاهلانه و بارگران تخریب اندیشه‌های اعتقادی به دوش افرادی است که بدون ضابطه و خارج از کتاب و سنت فتوی می‌دهند.



## فصل پانزدهم: مقامات عالی عالمان الهی

ابی الدرداء گنت: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَجْمَعُ الْعُلَمَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَقُولُ لَهُمْ: لَمْ أَضَعْ نُورِي وَحِكْمِي فِي صُدُورِكُمْ إِلَّا وَأَنَا أُرِيدُ بِكُمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِذْهَبُوا فَقَدْ غَفَرْتُ لَكُمْ عَلَى مَا كَانَتْ مِنْكُمْ؛ هَمَانَا خَدَاوْنَا عَزَّ وَجَلَّ عَالِمَانِ رَا دَر رُوْز قِيَامَتِ جَمْعَ مِي كُنْدُ وَ بِي أَن هَا مِي فَرْمَايِدُ: نُورُ وَ حِكْمَتُم رَا دَر سِينِه هَاي شِمَا قَرَار نَدَادَم؛ مَكْرَ اَيْن كِه بَرَاي شِمَا خُوبِي هَاي دُنْيَا وَ آخِرَت رَا خُوَاسْتَم. بَرُوِيْد أَن چِه بَرگَرْدَن شِمَا بُوْد بَرَايْتَان، أَمْرَزِيْدَم.»

### نکات آموزنده

۱. مراتبی از نور و حکمت الهی چنان که شامل حال انبیای الهی و امامان علیهم السلام شده، شامل حال علمای ربانی نیز گردیده است. وجود

آنها به نور الهی روشن و مصداق مراتبی از جلوه الهی می شوند.

۴. عالمان، مشمول خیرهای دنیایی و آخرتی از جانب حضرت

رب العالمین هستند.

۳. عفو و مغفرت وسیع الهی شامل حال اندیشمندان الهی

می شود.

## فصل شانزدهم: حیات واقعی در گرو علم و شناخت و معرفت

حضرت محمد مصطفی ﷺ فرمود: «الْعَالِمُ بَيْنَ الْجَاهِلِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ»<sup>۱</sup> دانشمند [و عارف] در میان جاهلان، چون زنده در میان مرده‌ها هست.

حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا وَالْجَاهِلُ مَيِّتٌ وَإِنْ كَانَ حَيًّا»<sup>۲</sup> عالم زنده است؛ اگرچه [ظاهراً] مرده باشد و جاهل مرده است؛ اگرچه [ظاهراً] در این عالم زنده باشد.

«مَاتَ خُزَانُ الْمَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ»<sup>۳</sup> جمع کنندگان دارایی، مرده‌اند؛

۲. غرر الحکم، ج ۲۰۶.

۱. وسایل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۷۶.

در حالی که [ظاهراً] زنده‌اند و عالمان [الهی] باقی هستند تا زمانی که روزگار باقی است. جسم آنها [در زیر خاک] گم شده. ولی شبیه آنها، در قلب‌های انسان موجود و باقی است».

### نکات آموزنده

۱. وجود عالمان تا قیامت ابدی است و در آن سرای نیز جایگاه ویژه دارند.

۲. زندگی و حیات حقیقی از آن کسانی است که به دنبال حقیقت و علوم الهی باشند؛ لذا اندیشمندان الهی دارای حیات واقعی و ابدی بوده، از نور علم و فروغ آن بهره‌مندند.

۳. حیات فانی و ظاهری از آن جاهلان، زراندوز و سرمایه‌داران بی‌ایمان است؛ البته ممکن است افراد آگاه و عالم هم سرمایه‌های مشروعی داشته باشند و آن را در خدمت به اسلام و مسلمانان به کار گیرند که جایگاه این‌ها روشن است.

۴. عالمان الهی در دل‌های مردم جای دارند و بر قلب‌ها حاکم و فاتح دل‌ها هستند.

۵. عالمان الهی باقی، زنده و جاویدند؛ زیرا به صفت‌هایی از

اوصاف الهی چون زنده و باقی و عالم متخلق گشته‌اند. خداوند

متعال: «عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ»<sup>۱</sup> خداوند از غیب و آشکار آگاه است.

۸. جاهل، چون مرده توانایی دفاع ندارد؛ پس در طول تاریخ،

اندیشمندان مدافع حقوق انسان‌ها بوده‌اند.

۹. جاهل، چون مرده، شعور و شناخت ندارد و این اندیشمندانند

که با علم و فهم خویش، حیات را به انسان‌ها عرضه می‌کنند.

۱۰. جاهل، چون مرده بی حس و بی درد است و عالمان،

دردمندی هستند که توانایی درمان و شفا بخشی انسان‌ها را دارند و

در طول تاریخ هم همین‌طور بوده است.

۱۱. علمانی چون مدرس‌ها و شیخ فضل الله نوری‌ها، آیت‌الله

کاشانی‌ها، خمینی‌ها، نواب‌ها، همه در طول تاریخ، حیات را به کالبد

نیمه جان انسان‌ها دمیده و اسلام و جامعه را زنده نگه داشته‌اند.

## فصل هفدهم: برتری عالمان

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «إِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ»<sup>۱</sup> برتری [و بزرگی] عالم بر عبادت کننده، مثل برتری خورشید بر ستارگان است.

«فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»<sup>۲</sup>  
برتری عالم بر عبادت کننده مثل برتری ماه [شب چهاردهم] بر دیگر ستارگان است.

### نکات آموزنده

۱. چنان که خورشید و ماه در نور و بزرگی و تأثیر در نظام هستی، تفاوت بسیار مهم و والایی با دیگر ستارگان دارند، عالمان نیز در تأثیر

۲. همان، ص ۱۸.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۹.

وجودی برای انسان‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

حضرت رسول ﷺ فرمود: «فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الشَّهِيدِ دَرَجَةٌ وَ فَضْلُ الشَّهِيدِ عَلَى الْعَابِدِ دَرَجَةٌ وَ فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاهُمْ»<sup>۱</sup> برتری عالم بر شهید [راه خدا] درجه‌ایی است و برتری شهید بر عبادت کننده درجه‌ای است و برتری عالم بر سایر مردم، مثل برتری من [= پیامبر] بر پایین‌ترین مردم است».

### نکات آموزنده

۱. خلاصه علما بر شهداء و برتری دارند زیرا علم و هدایت آن‌ها شهید ساز است.

۲. بین پایین‌ترین و بالاترین مردم، یعنی حضرت ختمی مرتبت ﷺ و مردم عادی فاصله معنوی و الهی بسیاری است.  
میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است

## فصل هیجدهم: مقام عالمان در روز قیامت

رسول خدا ﷺ فرمود: «ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُشَفَّعُهُمُ  
الانبياءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ؛» سه گروه از مردم در روز قیامت شفاعت  
می‌کنند: انبیاء، سپس عالمان و بعد شهیدان [راه خدا]».

### نکات آموزنده

۱. جایگاه عالمان الهی در پیشگاه خداوند، همان مقام انبیا و  
شهیدان است که می‌توانند انسان‌ها را برای عفو و مغفرت و نجات از  
دوزخ و رفتن به بهشت در پیشگاه حضرت رب العالمین شفاعت  
کنند.

۲. علما بر شهیدان در مقام شفاعت مقدم هستند.

۳. رتبه عالمان الهی بعد انبیاء کرام است.

۴. شفاعت دانشمندان الهی در محضر حضرت حق پذیرفته است.



## فصل نوزدهم: عالمان حجّت امام معصوم بر

### انسان‌ها

نامه‌ای به خط مولایمان حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرج الشریف - وارد شده است که نوشته‌اند: «أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرَشَدَكَ اللَّهُ وَ تَبَّتْكَ إِلَى أَنْ قَالَ : وَ أَمَّا الْحَوْدِثُ الْوَأَقِعةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> اَمَّا دَرِبَارَةُ أَنْ چِه پرسیدی، خداوند تو را راهنمایی کند و تو را ثابت قدم بدارد تا این که فرمود: اَمَّا دَرِ حَوَادِثِیْ کِه اتقاق می افتد و پیش می آید [و شما به موارد آن‌ها آگاهی دینی ندارید یا وظیفه را نمی دانید] به راویان [و بیان کنندگان] سخنان ما مراجعه کنید. همانا آنان حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا هستم».

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

## نکات آموزنده

۱. عالمان، فقیهان و صاحب نظران علوم الهی که شرایط جامع دارند؛ امر و فتوای آن‌ها در زمان غیبت کبریا، حجت و دلیل شرعی امضا شده از سوی امام معصوم علیه السلام است؛ لذا نباید از وظیفه غافل شده، بلکه باید از او امر آن‌ها پیروی کنیم.
۲. وظیفه ماست که درباره مسایل روز و اختلافات سیاسی و اعتقادی به عالمان الهی رجوع کنیم.
۳. جایگاه راویان احادیث چهارده معصوم علیهم السلام در واقع منصبی از جانب حجت الهی است.

## فصل بیستم: عالمان، امانت داران انبیا

حضرت رسول ﷺ فرمود: «الْفُقَهَاءُ أَمَنَاءُ الرَّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: مَا دُخُوهُمُ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: إِتِّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى أَدْيَانِكُمْ؛ فقیهان، امین رسولان الهی هستند تا زمانی که وارد دنیا نشوند. پرسیده شد: داخل در دنیا شدن چیست؟ حضرت فرمود: پیروی از پادشاهان [ظالم] پس زمانی که چنین کردند، شما برای دینتان از آنها دور شوید».

### نکات آموزنده

۱. فقیه، کسی است که عمیقاً اسلام و دین و قرآن و روایات را می‌فهمد و قدرت اجتهاد و استنباط و استخراج احکام الهی را از

کتاب و سنت دارد.

۴. فقیه باید از پستی‌ها به کرامت‌های انسانی مرتبط شود و به

جلوه‌های پست دنیایی از قبیل هواهای نفسانی، ریاست، پول و...

وابسته نگردد.

۳. کسی که مورد اعتماد رسولان الهی و خداوند باشد، بهترین

منصب و مقام را دارد.

۴. ورود به دنیای سرزنش شده با سقوط از کمالات انسانی مساوی

است.

۵. پیروی از سلاطین جور و عالمان درباری آنها، انسان را از

دیانت و اسلام واقعی خارج می‌نماید.

## فصل بیست و یکم: خلیفة اللّٰهی عالمان

از قول مولا یمان علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي ثَلَاثًا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ وَ قَالَ الَّذِينَ يَأْتُونَ بَعْدِي وَيُرْوُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي! خدایا! جانشینان مرا مورد رحمت خودت قرار بده [سه مرتبه این دعا از جانب حضرت ختمی مرتبت بیان شد] گفته شد: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی اند؟ حضرت فرمود: کسانی که بعد از من می آیند و سخنان و روش مرا بیان می کنند».

### نکات آموزنده

۱. مصداق این بیان رسا در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله امامان معصوم علیهم السلام هستند؛ امّا در زمان حضور امامان و در زمان غیبت صغرا و کبرا

چه کسانی اند؟

جواب این پرسش، روشن و تاریخ عملی مقامات معصوم روشنگر این حقیقت است. سلمان‌ها، ابوذر‌ها، بلال‌ها، مقداد‌ها، مالک اشتر‌ها و اصحاب امام حسین و شاگردان مکتب اهل بیت چون هشام بن حکم و صدها شاگرد دیگر، نواب خاص حضرت بقیة اللہ الاعظم، و عالمان دینی، نواب عام ایشان در زمان غیبت کبرا هستند.

۲. عالمان و عارفان به احادیث و بیان کنندگان احکام الهی که مصدق کامل آنها فقیهان جامع شرایط هستند، نایب عام حضرت بقیة اللہ -عجل الله تعالی فرجه الشریف- در زمان غیبت کبرایند.

۳. رسول گرامی اسلام ﷺ برای این فقیهان و عالمان مکرراً دعا می‌کردند؛ پس ما هم برای آنها دعا کنیم تا بر انجام وظایف سنگین خود موفق شوند.

## فصل بیست و دوم: عالمان، حافظان مرزهای اندیشه و اعتقاد

امام صادق علیه السلام فرمود: «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مَرَابِطُونَ بِالثِّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيته يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ أَلَا مَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُجِبِينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أَبْدَانِهِمْ؛ علمای شیعه ما حافظان و نگهبانان مرزهایی هستند که شیطان و دارو دسته او [تحت فرمانش] پشت آن مرزها برای حمله بر شیعیان نشسته‌اند. عالمان شیعه مانع حمله شیاطین بر مستضعفان شیعه ما هستند. [انسان در استضعاف فکری و اعتقادی، انسان زود از دشمن فریب می‌خورد] و علمای شیعه، مانع سلطه

ابلیس و پیروان ناصبی او بر شیعیان می شونند آگاه باشید شیعیانی که برای این امر منصوب هستند با فضیلت تر از کسی هستند که با روم و ترک و خزر هزار هزار مرتبه جهاد کنند، برای این که آن عالم شیعه از دین دوستان ما دفاع می کند و این جهاد کننده از جسم دوستان ما دفاع می نماید».

### نکات آموزنده

۱. وجود مستضعفان فکری و اعتقادی در میان شیعه، مسؤلیت عالمان را سنگین تر و حساس تر می نماید.
۲. امامان معصوم، اندیشمندان الهی و علما را برای حفظ حدود و مرزهای فرهنگی و اعتقادی منصوب کرده اند.
۳. شیاطین برای تسلط و نفوذ بر شیعیان، مرتب برنامه ریزی می کنند.
۴. نگه داری این حدود، بسیار مهم تر از حفظ مرزهای خاکی است؛ زیرا اگر عقیده استوار باشد، حدود خاکی کشور حفظ می شود؛ ولی اگر اعتقاد و ایمان به خداوند، ضعیف باشد، کشور سقوط کرده، مرزهای خاکی و اعتقادی هم‌اش مورد تجاوز دشمنان از خدا بی



خبر قرار می‌گیرد.

۵. دشمنان دین، اعم از داخلی و خارجی، جنی و انسی تنها مانع

سرد راه خود را عالمان شیعه می‌دانند و تاریخ هم این را به خوبی نشان

داده است.

## فصل بیست و سوم: برتری مداد عالمان بر خون شهیدان

حضرت رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وُزِنَ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ بِدَمَاءِ الشُّهَدَاءِ فَيُرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دَمَاءِ الشُّهَدَاءِ؛»<sup>۱</sup> روز قیامت قلم دانشمندان با خون شهیدان وزن می شود و سپس قلم عالمان [الهی] بر خون شهیدان برتری می یابد.»

### نکات

۱. ارزش قلمی که از اسلام و اعتقادات و اندیشه دفاع می کند و هدایتگر توده های مردمی است، از خون شهیدان راه حق و فضیلت بالاتر است؛ زیرا شهید در راه خدا، هدایت شده عالمان و عارفان

الهی است.

۲. این سنجش الهی در روز قیامت، از روی حکمت و عدالت الهی

محقق می شود.

۳. قلم عالم، انسان مؤمن و مهاجر و مجاهد و شهید در راه خدا

تربیت می کند و طبق روایات، اگر هدایت عالمان الهی نبود، مردم

موتد و از دین خارج می شدند.

۴. قلم عالمان، پیام رسان خون شهیدان و بهره برداری از ایشان و

شجاعت آنها و زنده و جاوید نمودن یاد و نام آنها است.

۵. ارزش و تقدم کار فرهنگی بر کار فیزیکی جهاد (جهاد اصغر)

بسیار روشن است. اولی از همه امور و از آن چه خورشید بر آن

می تابد، با ارزش تر است. همه کارها قطره، ولی امر به معروف و نهی

از منکر و ارشاد و کار فرهنگی در مقابل دشمنان دین، دریاست.

## فصل بیست و چهارم: عالمان، چراغ اهل زمین

رسول خدا ﷺ فرمود: «الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَ خُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ وَرَثَتِي وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۱</sup> دانشمندان [الهی] چراغ [ساکنان] زمین هستند و جانشینان انبیاء و وارث من و وارث انبیا هستند».

### نکات آموزنده

۱. انسان، بدون استفاده از چراغ و نور نمی‌تواند تلاش و کوشش نموده و زندگی را اداره کند.

۲. نور و چراغ، کنایه از حق است؛ چنان که «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ

الْأَرْضِ»<sup>۲</sup>.

۳. چنان که نظام وجود نیاز به چراغ شب، یعنی ماه تابان و چراغ

۱. کنز العمال، ج ۲۸۶۷۷، ص ۲۸۶۷۷.

۲. نور (۲۴): ۳۵.

روز، یعنی خورشید عالم تاب دارد، انسان‌ها نیز در عالم معنویت و دین به نور و چراغ نیازمندند زیرا این نور عالمان افزون بر توحید و نبوت، قرآن، و امامان است که مردم باید از آنها کسب نور نمایند تا نورانی گردند.

۴. اندیشمندان الهی، راهنمای انسان‌ها در همه تاریکی‌های

اعتقادی، فکری در زمان غیبت کبرا هستند و اینان نایبان عام امام معصومند.

## فصل بیست و پنجم: استغفار نظام وجود برای معاصیان الهی

رسول اکرم ﷺ فرمود: «مُعَلِّمُ الْخَيْرِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَ حَيْثَانُ الْبَحْرِ وَ كُلُّ ذِي رُوحٍ فِي الْهَوَاءِ وَ جَمِيعُ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛<sup>۱</sup> برای تعلیم دهنده خیر، همه جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود زنده‌ای در هوا و تمام اهل آسمان و زمین طلب آمرزش می‌کنند».

### نکات آموزنده

۱. اگر عالم به دنبال دانش و اندیشه برود، نظام وجود، کمبود

استغفار و توجه و انابه او را جبران می‌کند.

۲. همه نظام وجود از عرشیان، فرشیان و همه موجودات زنده تا

خداوند سبحان از علما دفاع می‌کند.

۳. اگر گناهان عالم الهی سخت بخشیده می‌شود، ولی این روایات امیدوارکننده است.

۴. چرا مردم و جوان‌ها از عالمان که دارای این مقامات عالی هستند، فاصله می‌گیرند و با آنها هم‌نشین نمی‌شوند و بهره نمی‌برند؟ در موارد هم ضرر متوجه مریض است نه پزشک معالجه کننده.

۵. عالمان در روز قیامت شکایت می‌کنند که چرا مردم از علم او بهره نبردند و ما را تنها و مهجور گذاشتند.

۶. تمام نظام وجود اعم از ملائکه و حیوانات، عالمان و مقام و منزلت آنان را می‌شناسد؛ اما متأسفانه بسیاری از انسان‌ها از این امر آگاه ندارند. و قرآن می‌فرماید: بیش‌تر مردم اهل اندیشه، علم و شعور نیستند و از ابزار معرفت استفاده نکرده، و به این مهم بی‌توجه‌اند.

## فصل بیست و ششم: انتهای مسیر عالمان

وجود نازنین رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ؛ کسی که راه طلب دانش را به پیماید، خداوند او را به سوی بهشت حرکت می دهد».

### نکات آموزنده

۱. راه علوم الهی، همان رسیدن به بهشت و قرب خداوندی است.

۲. ارزش دانش در فرهنگ اسلام، همان ارزش بهشت و به محضر خدا

رسیدن است.

۳. در مسیر طلب دانش تحمل سختی ها و مشکلات موجب

رسیدن به مقامات عالیة الهی می گردد.



## فصل بیست و هفتم: بال ملائکه، فرش

### عالمان

حضرت رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ؛<sup>۱</sup> همانا ملائکه، بال های خود را برای طالب علم می گسترانند».

### نکات آموزنده

۱. مقام و منزلت اندیشمندان الهی به قدری است که ملائکه، عزیزترین عضوشان (بالشان) را فرش آنان قرار می دهند.
۲. ملائکه به این هم نشینی و تواضع افتخار می کنند.

۳. روشن می شود که عالمان از ملائکه الله برترند.

۴. حال که ملائکه در مقابل عالمان این گونه برخورد می کنند،

تکلیف ما در برابر آنان روشن است.

## فصل بیست و هشتم: تواضع در محضر عالمان

حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا؛<sup>۱</sup> زمانی که دانشمندی را دیدی، خدمتگزار او باش.»

«مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ؛<sup>۲</sup> کسی که عالمی را بزرگ بدارد، خداوند را بزرگ داشته است.»

### نکات آموزنده

۱. مولای عالمان و عارفان حضرت علی بن ابیطالب رضی الله عنه امر می‌نماید، باید در خدمت عالمان باشید.

۲. بدبختانه گاهی غرورها و تکبرها تا آنجا است که بعضی‌ها

۲. همان، ح ۲۱۸.

۱. غرر الحکم، ح ۲۱۷.

انتظار دارند عالمان در خدمت آن‌ها باشند.

۳. تواضع و خشوع در مقابل دانشمندان الهی، خضوع در محضر

خدا شمرده می‌شود.

۴. افرادی اهانت می‌کنند و می‌گویند: این‌ها عالم ربانی نیستند.

باید به ایشان گفت: چرا احتمال عالم نبودن را می‌دهید؟ احتمال

مقابل هم نیز وجود دارد. همیشه انسان باید حسن ظن و اعتماد داشته

باشد تا به گمراهی و هلاکت کشیده نشود.

۵. علما الهی باید مورد توجه همه نظام وجود قرار گیرند. زیرا

اصل وجود که خداوند است به آنها توجه خاص دارد.

## فصل بیست و نهم: مقام و منزلت علما

حضرت خاتم الانبیاء و المرسلین ﷺ فرمود: «مَنْ اسْتَقْبَلَ الْعُلَمَاءَ فَقَدْ اسْتَقْبَلَنِي وَمَنْ زَارَ الْعُلَمَاءَ فَقَدْ زَارَنِي وَمَنْ جَالَسَ الْعُلَمَاءَ فَقَدْ جَالَسَنِي فَكَمَاذَا جَالَسَ رَبِّي؛ کسی که به عالمان روی آورد و آنان را زیارت کند، مرا زیارت کرده و کسی که با عالمان همنشین شود، با من همنشینی نموده و گویا با پروردگارم هم نشینی کرده است».

### نکات آموزنده

۱. عالمان، جلوه خداوند سبحانند.
۲. روی آوردن به دانشمندان الهی، توجه به رسول خدا است.

---

۱. کنز العمال، ج ۲۸۸۳.

۳. زیارت عالمان، زیارت پیامبر است؛ زیرا همنشینی با آنها

مصاحبت با رسول خدا است.

۴. کسانی که ناراحتند چرا با پیامبر همنشین نبوده‌اند؟ چرا با

اندیشمندان الهی هم صحبت و همنشین نمی‌شوند؟

۵. کسانی که ملاقات خدا را می‌خواهند، با جلوه خدا، یعنی

عالمان الهی ملاقات و دیدار کنند.

چرا به این ملاقات عالی توجه نمی‌شود؟ چرا افراد با استعداد و

ذوق و دارای عقل و قلب سلیم، وارد این رشته نمی‌شوند و این

معنویات را به دست نمی‌آورند؟ این‌ها خسارت و محروم شدن از

مقامات است. خوشا به سعادت انسان‌هایی که دارای این زیارت و

همنشینی هستند.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «أُولَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا عليه السلام مِنْ

الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالذَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالدَّاهِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ

لِضُغْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرْدَتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَّا بَقِيَ

اِخْذُ إِلَّا ارْتَدَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضُعَفَاءِ الشَّيْعَةِ  
 كَمَا يُمَسِّكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلِيكَ هُمْ إِلَّا فَضَلُّوا عِنْدَ اللَّهِ  
 عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۱</sup>.

اگر بعد از غیبت قائم ما [= حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله و  
 تعالی فرجه] کسی از عالمان باقی نمی ماند که به دین دعوت کند و  
 هدایتگر مردم به دین خدا و مدافع حریم اسلام با دلیل و برهان باشد  
 و اگر کسی از عالمان نبود که بندگان ضعیف خدا را از دام‌ها و  
 سرکشی‌های شیاطین و از دام‌های ناصبی‌های ضد شیعه نجات دهد،  
 احدی از مردم باقی نمی ماند؛ مگر این که همه از دین خدا  
 برمی گشتند و کافر می شدند [و دیگر از اسلام ناب محمدی و اهل  
 البیت علیهم السلام خبری نبود] و لکن آن علما کسانی هستند که ریسمان  
 دل‌های ضعیفان شیعه را نگه می دارند. همچنان که ناخدای کشتی  
 ساکنین کشتی را نگه می دارند. اینها با فضیلت‌ترین [انسانها]

نزد خداوند است.

## نکات آموزنده

۱. در این روایت، وظایفی و عناوینی که بیانگر جایگاه عالمان در

ارشاد مردم است، بیان شده است.

۲. منصب و مقام عالمان در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام بیان شده

است.

۳. دانشمندان الهی در زمان غیبت کبرا حامیان واقعی دین و اسلام

ناب معرفی شده‌اند و هیچ‌گونه ابهامی ندارد.

۴. عالمان، دعوت کنندگان به حق و راهنمایان مردم و نجات

دهندگان انسان‌ها از دام‌های شیاطین جنی و انسی هستند.

۵. اگر اندیشمندان الهی نبودند، هیچ‌کس در طول غیبت کبرا بر

دین اسلام باقی نمی‌ماند.

۶. این حدیث دلالت بر بقای اسلام به برکت وجود عالمان ربانی و

هدایت‌ها و زحمات علمی و عملی خالصانه آنها دارد که مسلمان‌ها



دارد.

۷. این روایت دلالت بر وجود ضعف فرهنگی و مستضعف فکری

در میان شیعیان دارد.

۸. امام علیه السلام هجوم فرهنگی شیاطین جنی و انسی را بر ضد

مستضعفان فکری و اعتقادی هشدار داده و راه نجات و دفاع در مقابل

این حملات را اقدام وسیع و برنامه ریزی چشمگیر عالمان الهی

برشمرده است.

## فصل سیام: مقام عالمان

پیامبر گرامی ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ حَتَّى النَّمْلَةَ فِي حُجْرِهَا وَ حَتَّى الْحُوتَ فِي الْبَحْرِ يُصَلُّونَ عَلَى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ؛<sup>۱</sup> همانا خدا و ملائکه او حتی مورچه در لانه اش و ماهیان در دریا همه به آموزش دهنده خیر به مردم درود و صلوات و سلام می فرستند.

### نکات

۱. خداوند اهل ذکر است و ذکر او صلوات بر پیامبر و اهل بیت او و عالمان و معلمان علوم الهی است.
۲. عالمان و معلمان علوم الهی در ردیف انبیاء الهی هستند: «إِنَّ اللَّهَ

۱. کنز العمال، ج ۲۸۷۳۶.

وَمَلَائِكَةٌ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلُّوا تَسْلِيمًا!

به درستی که خداوند و ملائکه بر پیامبر درود می فرستند. ای مؤمنان! شما هم بر پیامبر درود و سلام بفرستید».

۳. ارزش عالم، علم و تعلیم را همه عرشیان و فرشیان، حتی حیوانات ریز و درشت دریایی، هوایی و زمینی می فهمند؛ اما افسوس که خیلی از انسان‌ها این حقیقت را درک نمی کنند: «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup>؛ بیش تر مردم اهل اندیشه نیستند. «أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ»<sup>۲</sup>؛ بیش تر مردم شکرگزار نمی باشند. «أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ»<sup>۳</sup>؛ بیش تر مردم جاهلند.

«أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۴</sup>؛ بیش تر مردم اهل گناهند. «وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۵</sup>؛ بیش تر مردم اهل کفر و ناسپاسی اند. «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ»<sup>۶</sup>؛ بیش تر مردم حق را نمی دانند؛ پس از آن روی گردانند. «وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ»<sup>۷</sup>؛ بیش تر مردم دروغ گویند. «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۸</sup>؛ بیش تر مردم اهل دانستن و دانش نیستند؛ یعنی اکثراً به

۲. مائده (۵): ۱۰۳.

۴. انعام (۶): ۱۱۱.

۶. نحل (۱۶): ۸۳.

۸. شعراء (۲۶): ۲۲۳.

۱. احزاب (۳۳): ۵۳.

۳. یونس (۱۰): ۶۰.

۵. توبه (۹): ۸.

۷. انبیاء (۲۱): ۲۴.

۹. لقمان (۳۱): ۲۵.

حقایق جاهلند»؛ لذا ارزش تعلیم و تعلم را نمی فهمند و به این مهم بی توجه هستند.

۴. علما یاد دهنده خیرها و خوبی‌ها و فضایی که نجات بخش انسان از رذایل است، می‌باشند.

## فصل سی و یکم: تأثیر وجودی عالمان در

### مقابل دشمن

رسول خدا ﷺ فرمود: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَعَالَمٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَيَّ

إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ لِأَنَّ الْعَابِدَ لِنَفْسِهِ وَالْعَالِمُ لِعَالَمِهِ؛ أَيْ بِه خدایی که جان

محمد در دست او است، یک عالم الهی وجودش بر ضد شیطان از

هزار نفر عابد [= کسی که فقط اهل عبادت است] قوی تر است؛ برای

این که عابد کارش برای خود او است؛ ولی اندیشه و علم عالم برای

دیگری است.»

## نکات

۱. ارزش وجود عالم در مقابل شیاطین جنّی و انسی (درونی و برونی) از همه انسان‌ها بالاتر و قوی‌تر است.
۲. یک نفر عالم الهی در مقابل هجوم فرهنگی و اعتقادی از یک لشکر انسان غیر عالم ارزشمندتر است.
۳. اندیشه عالم، نجات‌بخش خود و دیگران است.
۴. عبادت یک فرد، عمل منحصر به فرد است، نه مؤثر برای جمع؛ ولی تأثیر وجود علمی و عملی علما برای همه مردم می‌باشد.
۵. رسول‌گرامی اسلام ﷺ نقش وجودی عالمان الهی را در مقابل دشمنان اعتقادی، فکری و دینی مردم با یک سوگند و متایسه روشن بیان فرموده که دارای اهمیت می‌باشد.

## فصل سی و دوم: عالمان، نزدیک‌ترین

### انسان‌ها به مقام نبوت

حضرت محمد ﷺ فرمود: «أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النَّبُوَّةِ أَهْلُ الْعِلْمِ!»

نزدیک‌ترین مردم به مقام نبوت [و رسالت] علمایند؛ بدین جهت،

اندیشمندان الهی، نزدیک‌ترین مردم از جهات مختلف علمی، ادبی،

عملی و مسؤولیت‌پذیری و هدایت‌توده‌های مردم به محضر مقام

رسالت هستند.

رسول‌گرامی ﷺ در روایت دیگری فرمود: «طَالِبُ الْعِلْمِ رُكْنٌ

الإِسْلَامَ وَيُعْطَى أَجْرَهُ مَعَ النَّبِيِّينَ؛<sup>۱</sup> طلب‌کننده دانش، پایه اسلام است و خداوند، پاداش او را با پاداش انبیا عطا می‌کند».

## نکات

۱. مقصود از نزدیکی درجه عالمان با انبیا در این جا، مقامات و مسؤولیت دینی، اجرایی و حکومتی و وظائف الهی است، که عالمان، وارث انبیا هستند، یعنی رسالت و مسؤولیت آن‌ها را به ارث می‌برند.

۲. تبلیغ عالم الهی از جهت برتری، با تبلیغ انبیا در یک سطح و ردیف بیان شده و این، دلیل بر مسؤولیت ترویج دین از جانب عالمان در پیشگاه خداوندی است.

۳. قصور و کوتاهی مردم در مقابل مسؤولیت‌های دانشمندان



دینی و عدم بهره برداری از راهنمایی‌های آنها مناسد فراوانی را در پی خواهد داشت.

## فصل سی و سوم: غربت علما

در جوامعی که جهالت حاکم است، اندیشه و عقل و اندیشمند در تنهایی و غربت به سر می‌برد و همیشه در کشورهای جهان سوم و عقب افتاده، تعداد آمار بی سوادی بیش‌تر از کشورهای پیشرفته و اروپایی است. مثال در سوئیس یا بعضی کشورهای اروپایی یک درصد یا دو درصد بی سواد بیش‌تر نیست و در افغانستان هفت درصد باسواد و نود و سه درصد بی سواد و در ایران اسلامی در زمان پیروزی انقلاب پنجاه درصد بی سواد داشته است. قطعاً در این کشورها کتاب و کتابخانه، علم و عالم، عقل و اندیشه در انزوای رفتاری و عملی مردم قرار گرفته است.

حضرت امام علی علیه السلام فرمود: «الْعُلَمَاءُ غُرَبَاءُ لِكثَرَةِ الْجُهَّالِ بَيْنَهُمْ!»

دانشمندان برای کثرت وجود جاهلان بین آنها در غربتند.»

### نکات آموزنده

۱. برای نجات جامعه از جهل باید انگیزه‌های دانش دوستی و

همنشینی با علماء و کتاب و کتابخانه را رشد چشم‌گیری داد.

۲. آمار بی سوادان را کم نمود تا علم جایگزین جهل شود.

۳. مهم‌ترین درد این است که جوامعی سواد ظاهری دارند؛ اما

حقیقتاً در جهالت به سر می‌برند و کورکورانه و بدون انگیزه و اندیشه

از دیگران در رفتارهای عملی تقلید می‌نمایند. این‌ها جاهل واقعی

هستند در مقابل کسانی که مدرسه نرفته و خواندن بلد نیستند، ولی

معرفت و استقلال فکری و اعتقادی دارند. این‌ها به تعبیری عالم بوده

و دیگران جاهلند. بارها در تاریخ اتفاق افتاده که تحصیل کرده‌های

سطح بالا تحت تأثیر و تحول فکری درس نخوانده‌ها و مکتب نرفته‌ها

قرار گرفته‌اند.

## فصل سی و چهارم: عالم‌ترین مردم

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ»<sup>۱</sup> داناترین مردم کسی است که علم مردم را به دانش خود بیفزاید». یا دانش‌های مردم را به دانش خود اضافه نماید.

در روایت نقل شده مردی گفت: «يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَحَبُّ أَنْ أَكُونَ أَعْلَمُ النَّاسِ؟ قَالَ: إِنَّقِيَ اللَّهُ تَكُنْ أَعْلَمُ النَّاسِ»<sup>۲</sup> مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: ای پیامبر خدا! دوست دارم از داناترین مردم باشم؟ حضرت فرمود: تقوای الهی پیشه کن تا دانشمندترین مردم شوی».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید از حضرت علی علیه السلام درباره داناترین

۲. کنز العمال، ج ۴۴۱۵۴.

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۲.

انسان‌ها سؤال شد، حضرت فرمود: «مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ؛<sup>۱</sup> کسی که دانش مردم را به علم خودش اضافه کند، [او اعلم مردم است].»

### نکات آموزنده

۱. در جامعه ما، دیروز و امروز بحث شناخت اعلم فقها و علمای دین در میان مردم مطرح بوده و هست. در این جا بیان شده، افرادی که جامع علوم دیگران هستند و کارشناسی آن‌ها قطعاً در سطح بالاتری مطرح است، آن‌ها اعلم می‌باشند.

۲. از آن جا که دانش تنها نجات‌بخش نیست، در روایت دیگر شرایطی برای اعلم فقها بیان شده، لذا تقوا و زهد و ورع، یعنی جهاد اکبر و مبارزه با نفس و انجام واجبات و ترک گناهان موجب رسیدن انسان به فقیه جامع‌الشرایط می‌گردد.



## بزودی از همین ناشر

---

نفس انسان حرم الهی

احسان زاهری

عروج و سقوط سخن

احسان زاهری

عزت و ذلت آفرینی‌های زبان

احسان زاهری

قرآن معجزه جاوید اسلام

احسان زاهری

آزادی

احسان زاهری

لمعة من بلاغة الحسين

سید مصطفی موسوی آل اعتماد

برسد به دست دختر شاه پریون

امیر عباس مهندس

کدام راه، کدام بهار، کدام قله

امیر عباس مهندس